

گزارشی درباره زندگی موریس یانگ پزشک انگلیسی شرکت نفت ایران و انگلیس

فرید قاسملو^{الف}، ب

^{الف} عضو گروه حکمت- طب اسلامی و طب سنتی، فرهنگستان علوم پزشکی، تهران، ایران

^ب عضو گروه تاریخ علم، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران، ایران

چکیده

پرداختن به تاریخ بهداشت و درمان صنعت نفت ایران، رویکرد به کهن‌ترین سامانه بهداشتی- درمانی کشور ایران به‌شمار می‌رود. برای آگاهی از این تاریخچه لازم است از بُعدهای گوناگون به طراحی و تکامل این سامانه پرداخته شود که یکی از این بعدها، بررسی زندگینامه‌ای است. بر این اساس، در مقاله پیش‌رو با رویکرد زندگینامه‌ای، زندگی دانشجویی و نقش موریس یانگ، از نخستین پزشکان شرکت نفت ایران- انگلیس که چند سالی در ایران ساکن بود، بررسی می‌شود.

این مقاله می‌کوشد بخشی از جای خالی مطالعات زندگینامه‌ای پیرامون نخستین کوشندگان ساخت سامانه بهداشت و درمان در ایران را پر کند. این مطالعه نشان می‌دهد دانش پزشکی فارغ از جایگاه خود به‌عنوان یک دانش، چه پایگاه اجتماعی عمیقی نزد مردم ایران قرن نوزدهم داشته که بر اساس آن، یک پزشک «فرنگی» تا اعماق جامعه ایرانی ورود کرده است و همچنین اینکه تاریخ پزشکی ایران به‌عنوان دانشی میان‌رشته‌ای باید به شکل جدی‌تری در ایران مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: صنعت نفت، ایران، بهداشت، درمان، موریس یانگ، تاریخ پزشکی

مقدمه

دست یافتن به چنین پیشینه مطالعات و با استفاده از آن، وضع تئوری اجتماعی ایران (همان‌گونه که اشاره شد) نیازمند در دست داشتن هزاران مقاله درباره امور، فرایندها، نکات اجتماعی و زوایای روشن یا مبهم تاریخ و همچنین زندگی اجتماعی ایرانیان است.^۱ در این میان، دانش پزشکی (که مطالعات صورت گرفته درباره آن، برای رسیدن به چنین هدفی، روش تاریخ پزشکی دارد) یکی از ابزارهایی است که به کمک آن می‌توان بسیاری از زوایای پنهان زندگی ایرانیان را روشن کرد. شاید دانش‌هایی چون ریاضیات، ستاره‌شناسی، شیمی و مانند آن، در بحث درباره جایگاه کلی علوم در تئوری اجتماعی ایران به کار آیند و شاید پرداختن به علوم غریبه نیز یکی دیگر از جنبه‌های ناپیدای زندگی اجتماعی ایرانیان را روشن کند، اما نویسنده این سطور تردید ندارد که یکی از کارآمدترین ابزارها برای رسیدن به لایه‌های عمیق

یکی از جنبه‌های مهمی که باعث تفاوت پژوهش در تاریخ پزشکی ایران و پژوهش در تاریخ دیگر علوم در دوره معاصر ایران می‌شود، ارتباط عمیق این دانش با زیرساخت‌های زندگی اجتماعی ایرانیان است. به روایت دیگر، کمتر دانشی را می‌توان با «تاریخ پزشکی در ایران معاصر» مقایسه کرد که بتوان از طریق آن به فراز و فرود زندگی اجتماعی ایران، به‌ویژه در لایه‌های عمیق جامعه، جایی که دسترسی به آن دشوارتر است، دست یافت. کندوکاو در جایگاه تاریخ پزشکی در این نگاه اجتماعی یا حتی کمی هم بلندپروازانه‌تر، گفتگو درباره جایگاه دانش پزشکی در وضع تئوری اجتماعی ایران، یکی از مسائل مهمی است که سرانجام، در پرتو پرداختن به مطالعات عمیق تاریخی، اجتماعی و علمی (و البته، تاریخ علمی) باید به آن رسید. اما

پزشکی در کشور صورت گرفته است. این موضوع که سامانه بهداشت و درمان ملی ایران برای جامعه‌ای که قسمت اعظم آن روستائین بوده است، چگونه باید طراحی می‌شده، محل بحث نیست. آنچه در این جایگاه اهمیت دارد، آن است که در نبود هرگونه سامانه قابل اعتماد ملی برای دفاع از بهداشت و درمان مردم در برابر بیماری‌ها، پزشکی اروپایی (که در مواردی ابزار دست استعمار می‌شده است) می‌توانسته یکی از زیرساخت‌های مهم قدرت‌های استعماری را بین مردم به‌وجود آورد و آن، استفاده از این دانش برای راهیابی به قلب‌های مردم، در پرتوی اهدای سلامت به آنان بوده است.

مواد و روش‌ها

داده‌های مقاله حاضر با بررسی مجموعه مقاله‌هایی درباره زندگی یانگ و نیز چند کتابی که درباره تاریخ تحولات شرکت نفت ایران نوشته شده‌اند به دست آمده است. در این میان، یک کتاب نیز اختصاصاً در موضوع تاریخچه بهداشت و درمان شرکت نفت ایران تألیف شده است که مورد استفاده قرار گرفته است. کمابیش داده‌هایی درباره یانگ در بررسی‌های اینترنتی (با کلیدواژگان انگلیسی از جمله نام او) نیز به دست می‌آید که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است.

یافته‌ها

یکی از جایگاه‌های برخورد سه رخداد صنعتی شدن، کوشش‌های استعماری و دانش پزشکی، استفاده از دانش پزشکی در صنعت نفت ایران می‌باشد. به روایت دیگر، صنعت نفت ایران جایگاه برخورد نگاه استعماری، سرشت صنعتی شدن و لزوم استفاده از پزشکی برای ایجاد زیرساخت‌های لازم برای سرمایه‌گذاری صنعت نفت بوده است. بر این اساس، اتفاقی نیست که سامانه بهداشت و درمان نفت ایران، به وسیله استعمار و برای استفاده در صنعت نفت پایه‌گذاری شد و آن را به کهن‌ترین سامانه کارآمد بهداشت و درمان ایران تبدیل نمود.

پرداختن به تاریخ بهداشت و درمان صنعت نفت ایران، پرداخت هم‌زمان به تاریخ صنعتی شدن، تاریخ بهداشت و درمان، و البته تاریخ استعمار ایران (به ویژه از هنگامی که این سامانه در ایران تأسیس شد تا زمان ملی شدن نفت ایران در

زندگی اجتماعی ایرانیان، بررسی از راه تاریخ پزشکی بوده و می‌باشد. توجه به این موضوع که «حق حیات» یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین دغدغه‌های آدمی بوده است و حفظ حیات و جلوگیری از مرگ زودهنگام، از جمله اساسی‌ترین کوشش‌های اجتماعی ایرانیان، در کنار عدم وجود سامانه قابل اعتمادی برای حفظ سلامت مردم ایران به‌ویژه در دوره قاجار (شروع تاریخ معاصر ایران) است و بر همین اساس، دست و پنجه نرم کردن ایرانیان با مفهوم «مرگ سهل» در تاریخ قاجار، از جمله عواملی است که به موضوع بررسی تاریخ پزشکی ایران در دوره قاجار اهمیت می‌بخشد.^۲

از دیگر سو، دوران قاجار ایران، عصر اصلاحات، تغییر تاریخ جهان، ورود انسان به عصر صنایع پیشرفته و در کنار آن، دوران پیوستن ایران به قافله جهانی نیز می‌باشد. دوران قاجار (به‌ویژه نیمه دوم آن) دوران کوشش‌های ایرانیان برای رسیدن به دانش‌های نوین و به تعبیری عصر نو شدن تاریخ ایران به‌شمار می‌آید. پس از دوران قاجار است که مفهوم توسعه و در سایه آن مفهوم لزوم صنعتی شدن برای جامعه ایرانی تعریف می‌شود و کوشش‌هایی برای دستیابی به این مفاهیم صورت می‌گیرد.^۳ فارغ از چند و چون این کوشش‌ها و ماجرایی دستیابی یا عدم دستیابی به این مفاهیم، دانش پزشکی همواره بازتابی از این «توسعه‌یافتگی» به‌شمار می‌آید و آرام آرام داده‌ها و متغیرهای پزشکی محور، جای خود را برای نمایش گوشه‌هایی از زندگی روزمره ایرانیان، و به‌ویژه نزد دولت‌ها برای استفاده از این داده‌ها برای مشروعیت‌بخشی به خود باز می‌کنند.

باز هم از سویی دیگر، دوران قاجار محل و عصر نوشتن بسیاری از مفاهیم استعماری برای تاریخ ایران نیز هست. عوامل جغرافیایی و جغرافیای سیاسی چندی باعث شده‌اند تا از میانه دوران قاجار، ایران به‌عنوان یک پایگاه مهم برای استعمار در آسیای غربی شناخته شود. البته، در همین جریان عصر استعماری همچنان دانش پزشکی یک وسیله مهم و قابل توجه به‌شمار می‌آید تا با استفاده از آن، پای استعمار در کشور ایران باز شده و جای محکم‌تری بیابد. این نفوذ استعماری اگرچه همچنان در پرتوی نبود سامانه قابل اعتماد و ملی

را ترک کرد و برای زندگی به فلسطین مهاجرت نمود. موشه دوران کودکی را در فلسطین گذراند، اما خیلی زود این سرزمین را ترک کرد و به انگلیس رفت. در سال ۱۹۰۰م، در بیست‌سالگی، به‌عنوان دانشجوی پزشکی وارد دانشگاه گلاسکو شد. در سال ۱۹۰۳م در امتحان‌های میانهٔ تحصیل مردود شد و مجبور شد دورهٔ پنج‌سالهٔ پزشکی را طی شش سال به پایان برساند. در سال ۱۹۰۶م، پس از اتمام تحصیل، از دولت بریتانیا درخواست تغییر تابعیت کرد و در همین سال، دولت بریتانیا با نام موریس یوده لویتز یانگ^{۱۱} تابعیت انگلیسی او را پذیرفت^{۱۲}. در سال ۱۹۰۷م، شرکت سندیکای امتیازات^{۱۳} که داری^{۱۴} دو سال پیش از این به دلیل به‌دست آوردن امتیازهای نفتی در برمه و ایران تأسیس کرده بود، یانگ را به‌عنوان پزشک شرکت در ایران استخدام کرد و یانگ در میانهٔ همان سال وارد ایران شد. او از راه بمبئی به خرمشهر رسید و از اهواز وارد مسجد سلیمان شد.

او کار خود را به‌عنوان پزشک شرکت به سرعت آغاز کرد و در نبود هیچ‌گونه سامانهٔ بهداشتی - درمانی تا کیلومترها، به سرعت به پزشک مورد اعتماد ایرانیان تبدیل شد. توصیف او از بیماری‌های مردم منطقه که عموماً عشایر کوچ‌کردی منطقهٔ خوزستان بودند، بسیار رقت‌انگیز است^{۱۵}. محدودهٔ فعالیت‌های یانگ به‌نسبت وسیع و شامل مجموعهٔ مهمی از مناطق نفت‌خیز شامل مسجدسلیمان، نفت سفید، هفت‌کل، ماماتین، آغاجاری، پازنان و گچساران می‌شد. بنابراین شرکت، محل کار او را ماماتین انتخاب کرد که به تعبیری در وسط همهٔ این مناطق نفت‌خیز و البته قرارگاه دفتر مرکزی شرکت در خوزستان بود.

ادامهٔ فعالیت‌های یانگ در ایران، همان کوشش‌های یک پزشک خستگی‌ناپذیر در میان یک جماعت فلک‌زده می‌باشد که در بسیاری از سرزمین‌های شرقی بارها تکرار شده است. یانگ به سرعت فارسی و نیز لهجه‌های محلی عشایر را فرا گرفت و با سفر به میان عشایر و محل کوچ‌های آنان به درمان بیماری‌های آنان اقدام کرد. در این دوران تمامی وسایل پزشکی مورد نیاز او را شرکت نفت انگلیس تأمین می‌کرد^{۱۶}. تقریباً ده سال پس از ورود یانگ، شرکت نفت ایران و انگلیس

سال ۱۳۲۹ شمسی) می‌باشد^۴. اگرچه لازم به یادآوری است که این بررسی تاریخی، در اعماق خود تاریخ بهداشت و درمان، و به‌عبارت دیگر، تاریخ پزشکی ایران نیز می‌باشد. بر این اساس، به‌نظر می‌رسد هم برای روشن کردن یکی از هزاران گوشهٔ تئوری اجتماعی ایران، هم برای تاریخ صنعتی شدن ایران و هم برای تبیین دقیق‌تر تاریخ پزشکی در ایران معاصر، پرداختن به تاریخ بهداشت و درمان صنعت نفت ایران ضروری است.

گفتنی است، تاریخ بهداشت و درمان نفت ایران نیز به‌طور طبیعی از جغرافیای اکتشاف نفت در ایران پیروی می‌کند و از جمله گفتگوهای آغازین برای بررسی تاریخ بهداشت و درمان نفت ایران، از رویکردی تاریخی و پرداختن به این جنبه‌های آغازین، نگاه به بهداشت و درمان مناطق نفت‌خیز می‌باشد.

یکی از نکات قابل پژوهش، چگونگی پاگرفتن بهداشت و درمان در مناطق نفت‌خیز است. به روایت دیگر، پاسخ به این پرسش است که فراز و فرود دانش پزشکی در مناطق نفت‌خیز ایران در دوران قاجار و از هنگام اکتشاف نفت در مسجدسلیمان چگونه بوده و این دانش در این حیطةٔ جغرافیایی چه تاریخی را پشت سر گذاشته است.

همچنین، یکی دیگر از انشقاق‌های پژوهش در این بازه و جغرافیا، پرداختن به «افراد» تأثیرگذار در این پزشکی است و مقالهٔ پیش‌رو نیز به کندوکاوی در زندگی موریس یانگ (زندگی: ۱۸۸۰ تا ۱۹۵۰م) پرداخته است؛ فردی که تأثیر مهمی در جغرافیای پزشکی مناطق نفت‌خیز ایران، در دورهٔ کوتاهی پس از کشف نفت در این مناطق داشته است.

دربارهٔ زندگی موریس یانگ: بر اساس داده‌های موجود، یانگ دومین پزشک مشغول به کار در مناطق نفت‌خیز^۵ بود که پس از درسایی^۶، پزشک زرتشتی زادهٔ هندوستان که بی‌لیاقت، مغرور و بداخلاق توصیف شده است^۷، قرار داشت. اما پیش از آن، باید به گزارشی دربارهٔ خود یانگ بپردازیم.

نام اصلی و اولیهٔ او موشه یوده لویتز^۸ بود و در سال ۱۸۸۰م، در خانواده‌ای یهودی، در شهر کرمنچوک^۹ در اوکراین (که در آن زمان بخشی از خاک روسیه به حساب می‌آمد) به دنیا آمد^{۱۰}. پدر وی، روبن، در همان سال تولد موشه، اوکراین

سنت مری بازگشت و به کار با فلمینگ ادامه داد و در سال ۱۹۴۹م پزشکان همکار یانگ تشخیص دادند که او به سرطان روده مبتلاست. در نهایت یانگ در اثر همین بیماری در ماه مه ۱۹۵۰م درگذشت. در پی مرگ او، فلمینگ برای بزرگداشت مقام یانگ، یادداشتی برای شرکت نفت ایران و انگلیس در لندن فرستاد و ویژگی‌های اخلاقی او را برشمرد.^{۲۳}

چنان‌که گفته شد، یانگ پس از پزشک هندی تبار درسایی، پزشک شرکت نفت ایران و انگلیس در مناطق نفت‌خیز مسجدسلیمان و پیرامون آن بود. بررسی درباره فعالیت‌های پزشکی یانگ بیش از هر چیز نشان‌دهنده همان استفاده از دانش پزشکی برای راهیابی به قلب‌های مردمان است که پیش از این بدان اشاره کردیم.

بررسی حضور یانگ در مناطق نفت‌خیز جنوب ایران نشان می‌دهد او بیش از هر چیز با ایل بختیاری در ارتباط بود و بسیاری از خدمات بهداشتی- درمانی یانگ در میان این ایل انجام می‌شد.^{۲۴} این با توجه به این موضوع قابل بررسی است که اصولاً به خاطر حضور ایل بختیاری در منطقه وسیعی از مناطق نفت‌خیز، افزون بر اینکه احتمالاً زمین‌های بسیاری از منطقه در اختیار ایل بختیاری بوده، ایل می‌توانسته است افزون بر تأمین امنیت منطقه، نیروی کار شرکت را نیز فراهم آورد. بر این اساس، شرکت نفت روابط گسترده‌ای با ایل برقرار کرده بود و این روابط از جمله بر اساس گزارشی که کرونین^{۲۵} تهیه کرده است، قابل بررسی می‌باشد. چنین گزارشی از روابط ایل (در سطحی فراتر از شرکت نفت) با انگلیس به‌وسیله گارنویت^{۲۶} نیز تهیه شده است که در هر حال اهمیت روابط منطقه‌ای بیگانگان را با ایل نشان می‌دهد.

فارغ از این روابط سیاسی، نقش یانگ در این دوران، در ساختار نبود سامانه بهداشت- درمان کشور قابل بررسی است. در سایه نبود این سامانه، یانگ توانست به سرعت در بین اقشار مختلف جامعه، از سران ایل گرفته تا افراد ساده ایل، به جایگاهی مهم دست یابد و این، جزء خدمات درمانی یانگ نبود. بهترین گزارش در این زمینه را می‌توان در نوشته‌های ویلسون، دیگر عضو خارجی که در این سال‌ها در ایران نیز حضور داشته، یافت^{۲۷} که به صراحت به نفوذ یانگ به‌عنوان

بیمارستانی در آبادان ساخت و این امکان به بیمارستان مسجدسلیمان که پیش از این راه‌اندازی شده بود، افزوده گشت. طی این سال‌ها یانگ مهم‌ترین پزشک و مهره شرکت در ایران بود و در عمل، تمام معماری و مهندسی تأسیسات و تشکیلات پزشکی شرکت تحت نظر او انجام شد. تا سال ۱۹۲۴م بیمارستان مسجدسلیمان به یک بیمارستان ۶۴ تختی تبدیل شده بود. افزون بر آبادان، شرکت در اهواز نیز بیمارستانی تأسیس کرد.

پس از ۱۹۲۶م و هم‌زمان با فرسوده شدن بیمارستان آبادان، یانگ به شرکت پیشنهاد کرد، بیمارستانی نیز در خرمشهر بسازند. پایان ساخت این بیمارستان به زمان حضور یانگ در ایران نرسید و او در سال ۱۹۳۰م به انگلستان بازگشت. جانشین او در خوزستان جامیه سون^{۱۷} (زندگی: ۱۸۸۹-۱۹۶۲م) نام داشت^{۱۸}. این بازگشت بیش از هر چیز ناشی از آن بود که یانگ از سوی شرکت نفت ایران- انگلیس بازنشسته شد.

بازنشستگی او دیری نپایید و پس از مدت کوتاهی استراحت در لندن و نقاط مختلفی در فرانسه، بنا به سفارش یکی از رؤسای بیمارستان سنت‌مری^{۱۹} در لندن، به این بیمارستان و البته به پزشک مشهور الکساندر فلمینگ^{۲۰} (زندگی: ۱۸۸۱-۱۹۵۵م) پیوست. این دو، کار را بر روی پنی‌سیلین که مدتی پیش از این فلمینگ آن را کشف کرده بود، آغاز کردند. عمده کار آنها در این دوران گسترش حیطه استفاده از پنی‌سیلین و مطالعات عمیق بر روی آن بود. مطالعات این دو (و دیگر همکاران فلمینگ در بیمارستان سنت مری) باعث شناخت هرچه بیشتر پزشکان عصر از پنی‌سیلین و ویژگی‌های درمانی آن شد. طی دهه چهل میلادی دست‌کم دو مقاله از فلمینگ، یانگ و دیگر همکاران فلمینگ در بیمارستان سنت مری درباره پنی‌سیلین وجود دارد^{۲۱}. همچنین، به برکت آرشو بسیار دقیقی که از یادداشت‌های روزانه فلمینگ وجود دارد، می‌توان به جایگاه او نزد فلمینگ پی برد^{۲۲}.

طی دوران جنگ جهانی دوم، یانگ به‌عنوان پزشک در بیمارستان‌های لندن کار می‌کرد، اما پس از جنگ بار دیگر به

است که یک سر در تاریخ و یک سر در حوزه علوم اجتماعی دارند و البته بحث‌های متعدد تاریخ علمی (و از آن میان، تاریخ پزشکی) نیز از این دامنه بیرون نیست. تاکنون، بررسی‌های چندی برای وضع تئوری تاریخ اجتماعی ایران انجام شده، اما وافی به مقصود نبوده است. برای گزارشی در این زمینه و البته اهمیت این تئوری و بسیاری از مباحث زیرساختی آن، مطالعه مجموعه مقالاتی که محمدعلی خنجی (زندگی: ۱۳۰۴-۱۳۵۰ش) نوشته است، بسیار راهگشا است. این مقاله‌ها به کوشش ایرج وامقی (زندگی: ۱۳۱۴-۱۳۷۹ش) در مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی در ۱۲ شماره (از شماره ۸۱-۸۲، خرداد- تیر ۱۳۷۳ تا شماره ۱۱۳-۱۱۴، بهمن- اسفند ۱۳۷۵) منتشر شده‌اند.

^۲ برای نمونه، برای ایراد تصویر دقیقی از این «مرگ سهل» در ایران باید گفت جمعیت ایران طی سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ میلادی، یعنی در مدت یک قرن، از پنج میلیون نفر به نه میلیون نفر رسید. گزارشی که از بهداشت عمومی کشور وجود دارد، هیچ نکته قوت و مثبتی را نشان نمی‌دهد (برای توضیح بیشتر نگاه کنید به: فلور، ۱۳۸۶، ص ۵، ۷۳-۸۵).

^۳ برای گزارشی درباره ساختار اجتماعی، جمعیتی و طبقاتی جامعه ایران دوره قاجار در آستانه قرن نوزدهم و پس از آن، از جمله نگاه کنید به: آبراهیمان، ص ۱۴-۶۴؛ برای گزارشی درباره ماجرای آشنایی ایرانیان با مظاهر تمدن غربی نگاه کنید به: آدمیت، ص ۲۱-۹۲ و برای گزارشی درباره نخستین کوشش‌ها برای مدرن‌سازی ایران و روی هم رفته موج نخستین اقدامات اصلاحی در ایران نگاه کنید به: رینگر، ص ۱۹-۶۵.

^۴ برای گزارشی کلی درباره تاریخچه بهداشت و درمان صنعت نفت ایران نگاه کنید به: فلور، ۱۳۹۷، ص ۲۴۱-۲۸۸؛ نیز نگاه کنید به: سرداری‌پور و یزدی‌نژاد، ص ۶۵-۹۲.

^۵ نگاه کنید به: فلور، ۱۳۷۹، ص ۲۴۸، قس: سرداری‌پور و نوروزی‌نژاد، ص ۶۷ که یانگ را نخستین پزشک این صنعت می‌دانند.

^۶ Dorsai قس، آمادونی (V. M. Amadouny)، ص ۲۹ که نام او را به صورت دسایی (Desai) ضبط کرده است.

مطمئن‌ترین مشاور پزشکی ایل اشاره می‌کند. حتی گفتنی است که در مذاکره با شرکت نفت، و در مواردی که رؤسای ایل با آرای شرکت همخوانی نداشتند، به خاطر احترام به یانگ در مقابل شرکت انعطاف‌پذیری از خود نشان می‌دادند. به جز این، به کارهای سیاسی یانگ، به‌عنوان «رئیس اداره کل امنیت سیاسی» شرکت سندیکای امتیازات نیز اشاره شده است.^{۲۸} در این زمینه گفتنی است، یانگ باز هم با استفاده از احترامی که در ایل داشت، با خان‌های محلی ارتباط برقرار کرده بود و حتی با خزع‌ل نیز مذاکراتی داشت.^{۲۹}

بحث و نتیجه‌گیری

اگرچه یانگ فقط به‌عنوان پزشک در ایران حضور داشت و رفتارهای سیاسی او تحت تأثیر این چهره دانشی قرار می‌گیرد، اما پرداختن به زندگی یانگ برای بررسی تاریخ بهداشت و درمان صنعت نفت ایران بسیار مهم است. یانگ در سال‌های حضور در مناطق نفت‌خیز (سال‌های ۱۲۸۶ - ۱۳۰۹ خورشیدی/۱۹۰۷ - ۱۹۳۰ میلادی) توانست^{۳۰} سنت پزشکی قابل اعتماد و ستایش‌برانگیزی را در ایران پایه‌گذاری کند.^{۳۱} از دیگر سو، یانگ نمونه جالبی از مواد مطالعه در تاریخ بهداشت صنعت نفت ایران به‌شمار می‌آید. پژوهش‌هایی که درباره یانگ شده است^{۳۲}، می‌تواند به‌عنوان نمونه خوبی برای روش پژوهش در تاریخ بهداشت صنعت نفت مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است، پرداختن به این بخش از تاریخ صنعت نفت ایران (همانند سایر موضوع‌های قابل پژوهش درباره این صفت) بدون توجه به اسناد شرکت نفت ایران و انگلیس که امروزه در دانشگاه وارویک انگلستان نگهداری می‌شود، شدنی نیست.

از دیگر سو، بررسی زندگی یانگ در ایران همچنان یک موضوع دیگر را نشان می‌دهد و آن، کوشش برای راهیابی به قلب مردم از راه ارائه خدمات پزشکی است. این کوششی است که ناظر به نبود سامانه خدمات اینچنینی ملی در ایران، در طول تاریخ بارها دیده شده است.

پی‌نوشت‌ها

^۱ کوشش برای وضع تئوری اجتماعی ایران یکی از مهم‌ترین کوشش‌ها برای سامان دادن به بخش وسیعی از پژوهش‌هایی

- ۲۳ آمادونی، ص ۳۲.
- ۲۴ برای گزارشی از فعالیت‌های پزشکی و سیاسی یانگ در مناطق نفت‌خیز ایران نگاه کنید به: فلور ۱۳۹۷، ص ۲۵۱-۲۵۶، نیز نگاه کنید به: پوربختیار، ص ۳۱-۳۴، نیز نگاه کنید به: سرداری‌پور و یزدی‌نژاد، ص ۶۷-۸۶.
- ۲۵ نگاه کنید به: کرونین، ص ۱۲۷-۱۵۶.
- ۲۶ گارثویت، ص ۷-۴۴.
- ۲۷ نگاه کنید به: فلور، ص ۲۵۵.
- ۲۸ نگاه کنید به: سرداری‌پور و یزدی‌نژاد، ص ۸۶.
- ۲۹ نگاه کنید به: پوربختیار، ص ۳۳.
- ۳۰ نگاه کنید به: آمادونی، ص ۳۱. بنابراین، یانگ حداکثر ۲۳ سال در ایران کار کرد. قس: سرداری‌پور و یزدی‌نژاد، ص ۹۰ که این زمان را ۳۰ سال دانسته‌اند.
- ۳۱ نگاه کنید به: پوربختیار، ص ۳۲؛ نیز نگاه کنید به: سرداری‌پور و یزدی‌نژاد، ص ۷۵.
- ۳۲ منابعی که به وسیله آمادونی (ص ۳۳-۳۴) معرفی شده، به این پژوهش‌ها اشاره می‌کند. از جمله رساله دکتری زیر که البته مؤلف این سطور موفق به دستیابی آن نشد:
- Barbara Cooke, Oil Men: The twinned lives of Arnold Wilson and Morris Young [PhD thesis], University of East Anglia, 2012.
- آمادونی همچنین به مجموعه‌ای از اسناد شرکت نفت ایران و انگلیس نیز برای مطالعه درباره زندگی یانگ اشاره کرده که مشخصات آنها در بخش منابع مقاله او آمده است.
- University of Warwick ۳۳
- ۷ پوربختیار، ص ۳۱.
- ۸ Mosche Youdele Vitz
- ۹ ker Menchuy
- ۱۰ آمادونی، ص ۲۹.
- ۱۱ Morris Youdele Vitz Young
- ۱۲ آمادونی، همانجا.
- ۱۳ Concession Syndicate Ltd، برای گزارشی درباره این شرکت، نگاه کنید به: فریر (Ferrier) ص ۷۲-۸۸.
- ۱۴ W. Knox D'Arcy (زندگی: ۱۸۴۹-۱۹۱۷م).
- ۱۵ برای نمونه‌ای از این توصیف‌ها نگاه کنید به: سرداری‌پور و یزدی‌نژاد، ص ۷۳.
- ۱۶ نگاه کنید به: فلور، ۱۳۹۷، ص ۲۵۱-۲۵۶.
- ۱۷ E. Jamieson
- ۱۸ آمادونی، ص ۳۱.
- ۱۹ St. Mary Hospital
- ۲۰ A. Fleming
- ۲۱ هرودی این مقاله‌ها با مشخصات زیر به چاپ رسیده‌اند:
- Young MY, Andrews GW, Montgomery DM. Procaine Penicillin. Lancet. 1949:863-5.
- Fleming A, Young MY, Suchet J, Rowe AJ. Penicillin content of blood serum after various doses of Penicillin by various routes. Lancet. 1944:621-4.
- ۲۲ برای گزارشی از این یادداشت‌ها نگاه کنید به: یادداشت‌های الکساندر فلمینگ، ذیل شماره‌های ۵۶۱۸۳، ۵۶۱۸۴، ۵۶۱۱۹ و ۵۶۱۱۴.

منابع:

- آبراهامیان، یرواند. ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی، ۱۳۹۲.
- آدمیت، فریدون. فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت. تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۰.
- پوربختیار، غفار. مأموران و مسافران انگلیسی در سرزمین بختیاری. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۱۳۸۲؛ ۴(۱۶):۵.
- رینگر، مونیکا. آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه. تهران: ققنوس، ۱۳۸۱.
- سرداری‌پور، محمدرضا؛ یزدی‌نژاد، علی. حکایت سیمرغ و نفت (۱)، مقدمه‌ای بر تاریخ یک‌صدساله خدمات بهداشتی-درمانی صنعت نفت. تهران: ۱۳۸۶.

- فلور، ویلم. سلامت مردم در ایران قاجار. ترجمه ایرج نبی پور. بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر، ۱۳۸۶.
- همو: ابعاد نادیده گرفته شده از تاریخ اجتماعی صنایع نفت ایران در: مطالعاتی در تاریخ پزشکی ایران. ترجمه اسماعیل نبی پور و دیگران. بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر، ۱۳۹۷.
- کرونین، استفانی. سیاست‌های قرضه: شرکت نفت ایران و انگلیس و خان‌های بختیاری. ترجمه محدثه محمدی. فصلنامه مطالعات تاریخی، ۱۳۸۶، شماره ۱۶.
- گارثویت، جین راف. خان‌های بختیاری، دولت ایران و انگلیس ۱۹۱۵-۱۸۴۶م (۱۳۳۳-۱۲۶۲ق/۱۲۹۴-۱۲۲۵ش). ترجمه نصرالله صالحی. تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۷، سال ۲، شماره ۸.
- Amadouny VM. Morris Young, pioneer physician. *Journal of Medical Biography*. 2017 Feb; 25(1):27-34.
- Ferrier RW, Bamberg JH. *The history of the British petroleum company: Vol.1, The Developing Years, 1901-1932*. Cambridge University Press; 1982 Oct 28.
- *The Alexander Fleming papers, Additional manuscripts 56106-56225*. Ed. L. Fielder. London: British Library. 2006.



دکتر موريس يانگ (سمت چپ) پزشک انگلیسی شرکت نفت ایران و انگلیس - مسجدسلیمان سال ۱۹۲۷ میلادی (۱۳۰۶ش)